

درس بیست و چهارم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جواب‌گوی پرسش‌های زیر باشد. در اخیر معرفی، همین سؤال‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

۱. نقد چیست؟
۲. فرق بین نقد و انتقاد چیست؟
۳. نقد ادبی چه فایده دارد؟
۴. انواع نقد را نام ببرید.

نقد ادبی

نقد در لغت جدا کردن دینار و درهم، سره از ناسره و تمیز کردن خوب از بد و برگزیدن بهترین چیز را گویند. توضیح این که در ایام باستان پول در مجموع دونوع بود. پول نقره (درهم) و پول طلا (دینار). گاهی در دینار تقلب می‌کردند و به آن مس می‌آمیختند، که در این صورت عیار طلا پایین می‌آمد. ازین رو جدا کردن سره از ناسره را نقد نامیده‌اند؛ اما در اصطلاح ادب، نقد عبارت است از تشخیص محاسن و معایب سخن و نشان دادن بد و خوب یک اثر ادبی.

در گذشته‌ها مراد از نقد به طور معمول این بوده است که معایب اثری را بیان کنند؛ اما در دوران جدید مراد از نقد ادبی نشان‌دادن معایب اثر نیست (هر چند ممکن است به این امر هم اشاراتی داشته باشد)؛ زیرا نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک و مهم ادبی می‌پردازد و در این گونه آثار بیش از این که نقاط ضعف مهم باشد نقاط قوت مطرح است. لذا نقاد ادبی می‌کوشد با تجزیه و تحلیل آن اثر ادبی، نخست ساختار و معنای آن را برای خواننده‌گان روشن کند و در قدم دوم قوانینی را که باعث اعتلای آن اثر ادبی شده است توضیح دهد؛ لذا نقد ادبی از یک سو به کار گرفتن قوانین ادبی در توضیح اثر ادبی است و از سوی دیگر کشف روش‌های تازه و ممتازی است که در آن اثر وجود دارد.

در مورد نقد ادبی آن قدر سخن گفته‌اند که امروز یکی از شاخه‌های مطالعات ادبی، نقدشناسی و بحث در مورد خود نقد است. عیب اثری را گفتن، اثری را وصف کردن، تجزیه و تحلیل اثر ادبی، دیگر گونه خواندن اثری، تأثر خود را از اثری بیان کردن و... اما همه این‌ها از یک سو در هر دوره‌یی فرق می‌کند و از سوی دیگر بسته‌گی به فلسفه یا سلیقه منتقد دارد؛ طور مثال: (میشل فوکو) نقد را چنین تعریف کرده است: «کار نقد، آشکار ساختن مناسبات اثر با مؤلف نیست و نیز قصد ندارد تا از راه متون، اندیشه یا تجربه‌یی را بازسازی کند؛ بلکه می‌خواهد اثر را در ساختار، شکل ذاتی و بازی

مناسبات درونیش تحلیل کند.»

خواننده گان به کمک منتقدان ادبی معیارهایی را به دست می آورند که آثار والا را بشناسند و بدین ترتیب به آثار سطحی توجهی نکنند و این باعث می شود که جریان های فرهنگی و ادبی در مسیر درست خود حرکت کنند و صاحبان ذوق، اندیشه، رأی و نبوغ مقام شایسته خود را باز یابند.

منتقد در تجزیه و تحلیل های خود علل برجسته گی آثار را برای مردم توضیح می دهد و در این صورت گویی غیرمستقیم به مردم می فهماند که چه آثاری فاقد ارزش است. در نتیجه در کشورهایی که نقد ادبی رواج و اهمیت بیشتری دارد وضع نویسنده و شاعر نشر مطبوعات و جریان های فرهنگی معمولاً به درستی پیش می روند.

منتقد ادبی باید دقیق به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو اثر ادبی بهره گیرد. منتقد ادبی علاوه بر آشنایی با بخش های مختلف نقد ادبی و علوم ادبی، باید فرد کتاب خوانده یی باشد و با بسیاری از دانش های دیگر چون سیاست، دین، مذهب، جامعه شناسی، فلسفه، روان شناسی و تاریخ آشنا باشد؛ زیرا آثار بزرگ ادبی برخلاف آنچه امروز می گویند فقط به لحاظ ادبی بودن آن ها نیست که شهرت و قبول می یابند؛ بلکه بسیار نکات باریک دیگری نیز وجود دارد، که در تعیین ارزش یک اثر نقش بازی می کند. به قول الیوت: «معیارهای ادبی فقط مشخص می کند که اثری ادبی است؛ ولی عظمت یک اثر تنها با معیارهای ادبی مشخص نمی شود. آیا اهمیت شاهنامه فقط به لحاظ مسایل ادبی است؟

اهمیت و فایده نقد ادبی

۱. نقد ادبی امکان درک نکته های بدیع و لطیف آثار را فراهم می کند. در نتیجه خواننده می تواند از مطالعه آثار ادبی بهره گیرد و لذت ببرد.
۲. ارزش واقعی آثار ادبی را آشکار می کند و مشخص می سازد که رعایت چه قواعد و اصولی سبب شده تا اثری مورد قبول واقع شود و یا وجود چه عواملی سبب شده تا اثری مورد بی اعتنایی قرار گیرد.
۳. نقد ادبی، وقتی مفید و دارای ارزش و اهمیت خواهد بود که بی طرفانه و دور از اغراض باشد.
۴. نقد ادبی، گذشته از این که سازنده و دارای اهمیت فراوان است، گاهی خود، نوعی آفرینش هنری نیز به شمار می رود.

انواع نقد یا مکتب‌های نقادی

• نقد ساختاری

نقد ساختاری به نقدی گفته می‌شود، که مربوط به شکل ظاهر و صورت‌های عینی یک اثر ادبی باشد و آن خود نیز دارای گونه‌هایی است به شرح زیر:

۱. نقد لغوی: بررسی و ارزیابی کاربرد زبان و اصول و قواعد آن در یک اثر ادبی است و همه انواع آثار ادبی (نظم و نثر) را شامل می‌شود.

۲. نقد فنی: بررسی چگونگی کاربرد فنون بلاغی در شعر، نثر که میزان ارزش و اعتبار آن‌ها است.

۳. نقد زیباشناسی: بررسی جوهر هنر، به دور از محتوای خاص آن است. ریشه و اساس این شیوه نقادی را می‌توان در نظریه‌های «کالریج» انگلیسی و «ادگار آلن پوی» آمریکایی دریافت.

• نقد معنایی

نقد معنایی به نقدی گفته می‌شود که با محتوا و درون‌مایه اثر ادبی ارتباط دارد و آن نیز دارای گونه‌های زیرین است:

۱. **نقد اخلاقی:** از قدیمی‌ترین شیوه‌های نقد ادبی است. درین نوع نقد ارزش‌های اخلاقی، اصل و ملاک نقادی شمرده می‌شود. افلاطون در شعر و درامه به تأثیر اخلاقی و اجتماعی اثر توجه می‌کند و ارسطو نیز معتقد است که هدف شعر باید تصفیه و تزکیه نفس باشد. در اروپا، اهل کلیسا در قرون وسطی شعر را به سببی که در خدمت اخلاق نبوده، غذای شیطان و مایه فساد و ضلالت می‌دانند.

۲. **نقد اجتماعی:** عبارت است از نشان دادن ارتباط ادبیات با جامعه و تأثیر جامعه در ادبیات و هم‌چنین تأثیر ادبیات بر جامعه. (میپولیت تِن) از منتقدان مشهور نقد اجتماعی است و ادبیات را محصول سه عامل (زمان، محیط اجتماعی و نژاد) می‌داند.

۳. **نقد تاریخی:** اگر منتقدی برای تحلیل اثر ادبی، حوادث یا امور مربوط به تاریخ را مورد بررسی قرار دهد و به بحث در باب حیات شاعر و نویسنده و معاصران او و یا روابط او با هم‌عصران و یا احیاناً به تحقیق در باب اسناد و مدارک و چند و چون صحت و سقم نسخه یا نسخ کتاب و چگونگی وجود تحریف و تصحیف و تصحیح اثر و جستجوی اشارات و حوادث تاریخی و به بحث‌هایی ازین قبیل پردازد، به نقد تاریخی پرداخته است.

۴. **نقد روانشناسی:** درین شیوه، نقاد سعی می‌کند جریان باطنی واحوال درونی شاعر ونویسنده را درک و بیان نماید و قدرت و استعداد هنری و ذوق و قریحه او را سنجیده، نیروی عواطف و تخیلاتش را تعیین نماید و ازین راه تأثیری را که محیط و جامعه و سنت‌ها وموارث درتکوین این جریان‌ها دارند مطالعه کند.

توضیحات

در دوره‌های ما قبل اسلامی، شعرا و ادبای عرب عادت داشتند، که درسوق عکاظ گردهم می‌آمدند و به خوانش اشعار، قصاید و سروده‌های خویش می‌پرداختند. آنگاه برگزیده‌ترین اشعارشان از زیر ذره‌بین منتقدان ادبی که خود بزرگترین استادان عرصه شعر وادب آن روزگار به شمار می‌رفتند می‌گذشت و اگر داوران بر قوت و پخته‌گی آن شعر نظر می‌داشتند، پس آن شعر را با آب طلا نوشته و بر دیوار کعبه می‌آویختند، که این خود نشانه عظمت و بزرگی شاعر و مایه مباهات و افتخار قبیله وی بود.

البته درطول تاریخ، صرف هفت پارچه شعر توانسته که خود را به دیوار کعبه بیاویزد، که مجموعه آن اشعار را به نام «سبعه معلقه» یاد می‌کنند و این هفت پارچه شعر، قویترین و نخبه‌ترین آثار درعرصه شعر کلاسیک عرب به شمار می‌روند، که تاکنون صدها رساله و کتاب و مجلدات در شرح و تفسیر و توصیف و بیان ظرایف و قوت ادبی آن‌ها به رشته تحریر در آمده است.



بخوانیم و بدانیم

۱. نقد در لغت جدا کردن دینار و درهم و سره از ناسره و تمییز کردن خوب از بد و برگزیدن بهترین چیز را گویند.
۲. در گذشته‌ها مراد از نقد این بوده است که معایب اثری را بیان کنند؛ اما در دوران جدید نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک و مهم ادبی می‌پردازد و بیش از این که متوجه نقاط ضعف باشد، متوجه نقاط قوت است.
۳. خواننده گان به کمک منتقدان ادبی معیارهایی به دست می‌آورند که آثار والا را بشناسند و به آثار سطحی توجهی نکنند و این باعث می‌شود که جریان‌های فرهنگی و ادبی در مسیر درست خود حرکت کنند.
۴. منتقد ادبی باید دقیقاً به علوم ادبی آشنا باشد تا از آن‌ها به عنوان ابزاری در تجزیه و تحلیل عوامل علو آن اثر ادبی بهره گیرد.